



E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

www.allstudyjournal.com

IJAAS 2021; 3(4): 188-194

Received: 27-08-2021

Accepted: 30-09-2021

Abdul Shukor Muradi

Junior Teaching Assistant,
Department of Islamic
Sciences and Culture, Faculty
of education, Balkh
University, Afghanistan

جایگاه صلح در صحیح بخاری و سنن ترمذی نویسنده: پوهنیار عبدالشکور "مرادی" عضو دیپارتمنت علوم و فرهنگ اسلامی پوهنحی تعلیم و تربیه پوهنتون بلخ

Abdul Shukor Muradi

Abstract

Peace and peaceful living is one of the permanent and eternal aspirations of human beings. Since peace and a sense of security provide the way for all-round growth and development of human beings. And dear Islam always encourages its followers to establish peace and reconciliation and prefers the aspect of peace in all transactions between individuals. And this issue becomes widely clear by studying the Qur'an and the hadiths of the Prophet Muhammad (PBUH). Therefore, in this research, an attempt has been made to examine the importance and place of peace in the authentic book of Imam Bukhari and the Sunnah of Imam Termizy from the perspective of noble hadiths in order to clarify the subject of peace and the emphasis of Sharia on those religious texts. And also a place to achieve peace in this country that has suffered for many years in war and all its citizens are thirsty for peace and tranquility. The topics discussed in this article are the definition of the virtue and importance of peace from the perspective of the verses and hadiths of Prophet Mohammad (PBUH) and the attributes of establishing peace and the responsibility of Imam to establish peace and resolve disputes between subjects and ensure peace and justice and self-sacrifice. And the conditions for reconciliation with the polytheists are for expediency.

خلاصه:

صلح و زندگی مسالمت آمیز از آرمان های دایمی و همیشه گی بشر است. از آنجا که صلح و احساس امنیت راه رشد و ارتقای همه جانبه انسان را فراهم میسازد. و اسلام عزیز همواره پیروان خویش را به برقراری صلح و آشتی تشویق میکند و در تمامی معاملات بین افراد جنبه صلح را ترجیح میدهد، و این موضوع با مطالعه قرآن و احادیث گهربار حضرت نبی کریم صلی الله علیه وسلم به شکل گسترده واضح میگردد، لہذا در این تحقیق سعی صورت گرفته تا اهمیت و جایگاه صلح را در صحیح امام بخاری و سنن امام ترمذی رحمهما الله از منظر احادیث شریف مورد بررسی قرار دهم تا باشد که موضوع صلح و تأکیدات شریعت بالای آن با نصوص شرعی واضح گردد. و همچنان روزنه ای برای دست یابی به صلح در این مملکت رنج دیده که سالیان متمادی را در جنگ سپری نموده و همه شهروندان اش تشنه صلح و آرامی است قرار گیرد. موضوعات مورد بحث در این مقاله فضیلت و اهمیت صلح از منظر آیات و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم و صفات برقرار کننده صلح و مسولیت امام در برقراری صلح و حل منازعه میان رعیت و تأمین صلح و عدالت و از خود گذری ها برای ایجاد صلح و مصالحه با مشرکین بخاطر مصلحت می باشد.

مقدمه:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ اِلٰی یَوْمِ الدِّیْنِ

اما بعد: موضوع صلح از مباحث خیلی پراهمیت بوده و تمام انسانها به آن نیاز مبرم دارند، و بخاطر داشتن یک صلح دایمی و مودت و مهربانی بین افراد جامعه نیاز است تا دساتیر شرع پیرامون صلح و نصوص وارده راجع به صلح مورد تحلیل تجزیه قرار گرفته و تأکیدات احادیث در این مورد واضح گردد.

در مقاله تحقیقی هذا تحت عنوان {جایگاه صلح در صحیح بخاری و سنن ترمذی} بحث های جالب در مورد برقراری صلح، اهمیت صلح، صفات صلح کننده، مصالحه در منازعات و خصومات، مصالحه بین داین و مدیون، صلح بین وارثین و قرضداران و صلح بنا به مصلحت همراه با مشرکین

Corresponding Author:

Abdul shukor muradi

Junior teaching assistant,
Department of Islamic
Sciences and Culture, Faculty
of education, Balkh
University, Afghanistan

صورت گرفته است و اینکه برقراری صلح از وظایف و مسولیت های امام و پیشوای مسلمین میباشد.

بخاطر تشریح و توضیح هر چه بهتر احادیث موجوده در صحیح امام بخاری و سنن امام ترمذی از کتب معتبر و شروح معتبر حدیث استفاده بعمل آمده است.

اهداف تحقیق:

هدف از تحقیق هذا توضیح و بیان احادیث وارده پیرامون صلح در صحیح بخاری و سنن ترمذی و پیام های زیبا و ارزشمند برای تأمین عدالت و صلح در جوامع اسلامی و امت مسلمه بخصوص ملت افغانستان است. همچنان با تشریح و توضیح احادیث بتوانیم صلح مفقود شده در کشور رنج دیده خویش احیا کنیم و مردم درد دیده خویش را از مشکلات موجوده نا امنی، ظلم، ستیزه و شکنه رهایی بخشیم. تا باشد گروه های درگیر از این تحقیق انگیزه برقراری صلح و تأمین عدالت در کشور را دریافته و به منازعات، مخاصمات نقطه پایان دهند. و درسی باشد برای همدلی همزیستی در جامعه افغانی ما.

مبرمیت تحقیق:

صلح یک موضوع حاد در شرایط کنونی کشور عزیز ما افغانستان می باشد که مردم این سرزمین از ناحیه جنگ مشکلات زیادی را متحمل گردیده اند و این جنگ خانمان سوز سبب یتیم شدن تعدادی کثیری از اطفال این سر زمین شده و همچنان باعث بیوه و بیچاره شدن توده از مردم شده و آمار معلولین و معیوبین رو به ازدیاد است و دامنه فقر و بیچاره گی را پهن ساخته و آواره گی و فرار از وطن و ترک خانه و کشانه نیز ناشی از همین جنگ بوده، لهذا توضیح و تشریح نصوص وارده در مورد صلح و امنیت و تأمین عدالت در وضعیت کنونی میتواند به مشکلات متذکره درمانی بوده باشد و راه حل این معضلات به شکل علمی و اکادمی بیان گردد. تا مردم بیشتر از این بدبخت نگردند و امنیت و آرامش که از حقوق طبیعی انسانها است مستفید گردند.

سوالات تحقیق:

1. صلح و امنیت در جوامع بشری دارای چی اهمیت و فضیلت است؟
2. برای تأمین عدالت و صلح چی راه کار ها وجود دارد؟
3. صلح بین متخاصمین از وظایف چی کسانی است؟
4. در کدام شرایط میتوان با مشرکین صلح کرد؟

واژه های کلیدی:

صلح، امنیت، عدالت.

روش تحقیق:

تحقیق هذا به شکل کتابخانه ای بوده نظر به عنوان انتخاب شده، که ذیلا بطور خلص بیان می گردد.

1. تخریح احادیث از صحیح بخاری و سنن ترمذی در باب صلح و مصالحه.
2. ترجمه احادیث بشکل سلیس و ساده و قابل فهم.
3. توضیح و تشریح از کتب شروح احادیث.

4. آدرس دهی در اخیر متن پراگراف ها با ذکر اسم کتاب، شماره باب و شماره حدیث می باشد.

نتایج متوقعه:

1. دانستن اهمیت و ارزش صلح و امنیت در اجتماع تو ام با نصوص شرعی.
2. فهم و درک درست حل منازعات با احادیث گهر بار رسول معظم اسلامی صلی الله علیه وسلم.
3. درک مسولیت امام در قبال برقراری صلح و آشتی میان رعیت.
4. فهم درست از روند ایجاد صلح با مشرکین نظر به مصلحت های اجتماعی.

تعریف لغوی و اصطلاحی صلح:

صلح تعاریف زیاد دارد که علماء در کتب خود تذکر داده ولی از خوف تطویل موضوع بخاطر اختصار بحث بعضی از تعاریفات را ذکر نموده و مستقیما میرویم بالای اصل موضوع که، جایگاه صلح در صحیح بخاری و سنن ترمذی می باشد.

صلح در لغت از لفظ صلاح به معنی مقاطعه از نزاع می باشد. و در اصطلاح شرع عبارت از عقدی است که برای رفع منازعه وضع شده است، و یا به عبارت دیگر عقدی است که توسط آن می توان به اصلاح مخالفین پرداخت. و غالباً بخاطر رسیدن به مقصد بشکل مدارا و تسامح واقع میشود. (الفقه الاسلامی و ادلته: 4330/6).

واژه اسلام با سلام به معنی صلح و آرامش مرتبط به اسلام است. سلام یکی از اسمای الله جل جلاله می باشد و بدینسان صلح یک ارزش مقدس و صلح طلبی در حقیقت خدا خواهی است، سلام کردن یک مسلمان به دیگری در واقع تقدیم صلح و آرامش و امنیت به اوست، البته مراد از صلح و امنیت در این دیدگاه صلح همراه با عدالت است.

تعریفی دیگری از صلح با اندکی تفاوت اینکه صلح در لغت اسم است به معنی مصالحه مانند مسالمة و آن خلاف مخاصمه می باشد، و در اصطلاح شرع عبارت از عقدی که برای رفع منازعه به رضایت هر دو جانب می باشد. همچنان صلح مأخوذ از صلاح به معنی استقامت ضد فساد نیز آمده است. (انیس الفقهاء فی تعریفات الالفاظ المتداوله بین الفقهاء: ص، 245).

آیات وارده پیرامون صلح

در قرآن کریم آیات زیادی پیرامون صلح نازل گردیده است. برخی آنها در باره روابط برادرانه میان مسلمانان بوده و برخی دیگر آنها ناظر روابط مسلمانان با مشرکین و اهل کتاب است. لهذا آیات صلح را بشکل مختصر ذیلا بیان خواهم نمود.

1. آیاتی که مسلمانان را به دادن پاسخ مثبت به پیشنهاد صلح باغیر مسلمانان فرمان میدهد:

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (الانفال: 61)

ترجمه: و اگر به صلح گراییدند، تو نیز بدان گرای و بر الله جل جلاله توکل کن بی گمان که او شنوا و دانا است.

در آیه دیگری الله جل جلاله فرموده است که اگر آنها طرح صلح بدهند، بعد به شما اجازه ای تجاوز نیست.
فَإِنْ اعْتَرَفُواكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْفُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (نساء:90)

ترجمه: پس اگر از شما کناره گیری کردند، و با شما نجنگیدند و با شما طرح صلح نمودند، {دیگر} خدا برای شما راهی {برای تجاوز} بر آنان قرار نداده است.

آیاتی که مسلمانان را از اظهار محبت و عدالت ورزی به غیر مسلمانان که با آنان دشمنی و ستیز ندارند نهی نمی کند.

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ، وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ، أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (ممتحنه:6)

ترجمه: خداوند شما را از کسانی که در کار دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند باز نمی دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید زیرا الله عادلان را دوست دارد.

آیاتی که بر مناظره منطقی با غیر مسلمانان، اهل کتاب تأکید می ورزد.

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَوَلُّوا أَمْتًا (عنکبوت:46).

ترجمه: و با اهل کتاب جز به {شیوه ای} که بهتر است، مجادله نکنید، مگر {با} کسانی که از آنان ستم کرده اند و بگویید {به آنچه به سوی ما نازل شده و آنچه بسوی شما نازل شده} ایمان آوریم.

احادیث وارده پیرامون صلح در صحیح بخاری و سنن ترمذی

فضیلت مصالحه و تأمین عدالت میان مردم:

امام بخاری رحمه الله علیه در مورد فضیلت صلح و برقراری عدالت در بین مردم حدیثی را از نبی کریم صلی الله علیه و سلم در صحیح خویش ذکر نموده که تأمین عدالت میان مردم به عنوان صدقه بوده و از فضیلت خاص برخوردار می باشد.

عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم كل سلامي من الناس عليه صدقة كل يوم تطلع فيه الشمس تعدل بين الناس صدقة (صحیح البخاری:2/964/2560)

ترجمه: از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: بر هر عضوی از مردم صدقه است، در هر روزی که آفتاب طلوع می کند. عدالت میان مردم، نوعی صدقه است.

هنگامیکه شارع مردم را مخاطب قرار داده و تمام ایشان را به عدل فرا میخواند و واضح است که در بین آنها حکام و غیر ایشان موجود اند، و هرگاه حاکم خواسته باشد صلح بیارود باید از عدل کار بگیرد. و این عمل او صدقه بشمار میرود. (التوضیح لشرح الجامع الصحیح:17/85/2707).

توصیف برقرار کننده صلح:

کسیکه در برقراری صلح میان مردم نقش داشته باشد و سعی کند که اختلافات را از میان مردم دور سازد و محبت و دوستی را در جامعه ایجاد کند، صفت دورغ گویی از وی برداشته شده و او منحیث یک انسان نجیب در جامعه دارای اعتماد می باشد. چنانچه امام بخاری رحمه الله علیه در زمینه حدیثی را از نبی کریم صلی الله علیه و سلم در صحیح خود نقل نموده است.

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: لَيْسَ الْكَذَّابُ الَّذِي يُصْلِحُ بَيْنَ النَّاسِ فَيَنْتَمِي خَيْرًا أَوْ يَقُولُ خَيْرًا (صحیح البخاری:3/183/2692).

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که میان مردم صلح ایجاد کند، دورغگو نیست. پس یا چیزی نیک را می رساند و یا سخنی نیک می گوید.

دروغ با آنکه قبیح و زشت بوده و گناه کبیره محسوب می گردد، اما نظر به حدیث فوق در اصلاح بین مردم استثناء قرار گرفته و چنانچه در حالت جنگ، صلح بین مردم و آشتی بین زن و شوهر استثناء می باشد. و این حدیث دلیل صریح بر اباحت دروغ مصلحت آمیز در نزد علماء می باشد. (الاذکار النوویه للامام النووی:1/478).

بنأ کسیکه تلاش میکند تا میان مردم صلح ایجاد کند و او دروغگو محسوب نمی شود حتی اگر از دروغ مصلحت آمیز بخاطر برگذاری صلح بین افراد استفاده کند.

برقراری صلح میان دیگران توسط امام:

یکی از وظایف مهم امام مسلمانان تأمین امنیت و صلح بین مسلمانان است زعیم مسلمان بخاطر برقراری صلح و زدودن اختلافات مسولیت دارد تا میان آنها رفته و حل منازعه نماید چنانچه امام بخاری رحمه الله علیه بر کتاب صحیح خود حدیثی را از نبی کریم صلی الله علیه و سلم ذکر نموده که اگر میان مسلمانان کدام سوء تفاهم یا اختلاف و ضدیت پیدا میشود هر چی عاجل برای دفع منازعه باید دست بکار شود.

عن سهل بن سعد رضي الله عنه: أن أهل قباء أفتتلوا حتى تَرَامُوا بالحجارة ، فأخبر رسول الله صلى الله عليه وسلم بذلك فقال اذهبوا بنا نصلح بينهم (صحیح البخاری:3/183/2693)

ترجمه: از حضرت سهل بن سعد روایت است که: مردم قباء با یکدیگر زد و خورد نمودند تا بر یکدیگر سنگ افکندند. از این واقعه به رسول الله صلی الله علیه و سلم خبر رسید و فرمودند: با ما بیایید تا میان آنان صلح برقرار داریم.

در شرایط کنونی کشور ایجاب میکند تا بزرگان منطقه و سران احزاب سیاسی و رهبران و سیاست مداران در متابعت به سنت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بخاطر ایجاد صلح و برقراری امنیت در جامعه افغانی که طی سالینان متمادی در آتش جنگ میسوزد سعی نمایند تا میان طرفین درگیر آشتی آورند و مردم خویش را از بدبختی موجوده رهایی بخشند.

همچنان امام ترمذی در بخش صلح میان مردم حدیثی را در کتاب خود از نبی کریم صلی الله علیه و سلم نقل نموده است.

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ، إِلَّا صُلْحًا حَرَّمَ حَلَالًا، أَوْ أَحَلَّ حَرَامًا، وَالْمُسْلِمُونَ عَلَى شُرُوطِهِمْ، إِلَّا شَرْطًا حَرَّمَ حَلَالًا، أَوْ أَحَلَّ حَرَامًا (سنن الترمذی:3/626/1352).

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: صلح میان مسلمانان جائز است، مگر صلح که حلالی را حرام سازد، یا حرامی را حلال. و مسلمانان بر شروط شان استوار هستند، مگر شرطی که حرامی را حلال و یا حلالی را حرام گرداند.

نظر به حدیث فوق دانسته میشود که صلح امر مطلوب و زیبا مشروط بر اینکه سبب عدول از حدود شریعت واقع نشود. و در مخالفت به اوامر و نواهی شارع قرار نگیرد. که حلال را حرام

قرار دهد و حرام را حلال، یا مخالف او امر و نواهی شارع واقع نشود.

از خود گذری در برقراری صلح:

بخاطر تأمین صلح و برقراری عدالت میان طرفین قضیه نیاز است تا خواست های طرف مقابل را در حد ممکن مدنظر گرفت، چون همیشه درگیری ها برای بدست آوردن خواست ها میباشد و مسلمانان جهت اکتساب ثواب و رضای خالق باید خواسته های خویش را فراموش نموده و از ایثار کار بگیرد. چون رسول معظم اسلام صلی الله علیه وسلم بزرگترین الگو جهان اسلام در صلح حدیبیه تفاهم نامه ای را تأیید نمود که ظاهراً به نفع مشرکین قریش بود با آن هم صرف بخاطر دست یافتن به یک صلح و اختتام بخشیدن به جنگ این ایثار را از خود نشان داد. چنانچه امام بخاری رحمه الله علیه در صحیح خویش حدیث را چنین نقل نموده است.

الْبِرَاءُ ، قَالَ : لَمَّا صَلَّحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَهْلَ الْحَدِيبِيَةِ كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بَيْنَهُمْ كِتَابًا فَكَتَبَ : مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، فَقَالَ الْمُشْرِكُونَ : لَا تَكْتُبُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، لَوْ كُنْتَ رَسُولَ اللَّهِ لَمْ تُقَاتِلْكَ ، فَقَالَ لِعَلِيِّ : أَمَحُهُ ، فَقَالَ عَلِيُّ : مَا أَنَا بِالَّذِي أَمَحَاهُ ، فَمَحَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِهِ ، فَصَالَحَهُمْ عَلَى أَنْ يَدْخُلَهَا هُوَ وَأَصْحَابُهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ، وَلَا يَدْخُلُهَا إِلَّا بِجُلْبَانِ السِّلَاحِ ، فَسَأَلُوهُ مَا جُلْبَانُ السِّلَاحِ ؟ قَالَ : الْقِرَابُ وَمَا فِيهِ. (صحیح البخاری: 2698/184/3).

ترجمه: حضرت براء بن عازب رضی الله عنه روایت کرد: زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم با مردم حدیبیه {یعنی کافران قریش} صلح کرد، علی بن ابی طالب رضی الله عنه چنین نوشت: محمد رسول الله، مشرکین گفتند: این طور ننویس، اگر او پیامبر می بود ما با او نمی جنگیدیم. پیامبر به علی گفت آن را پاک کن. علی گفت چنین نخواهم کرد، رسول خدا صلی الله علیه وسلم با دست خود آن را محو کرد و با آنها بر این صلح کرد که پیامبر و یاران او {سال آینده} به مکه وارد شوند و سه روز بمانند و سلاحشان در غلاف باشد. از راوی پرسیدن که سلاح در جلبان یعنی چه؟ گفت: یعنی سلاح در غلاف باشد.

با آنکه حقانیت نبوت رسول کریم صلی الله علیه وسلم ثابت بود ولی بخاطر تأمین صلح بنابه پیشنهاد مشرکین قریش رسول الله آن نوشته را با دست مبارک خویش محو میکند، و در شرایط کنونی اگر خواسته باشیم در جامعه خویش صلح برقرار کنیم باید طرفین متخاصم از یک تعداد خواسته های خویش دست کشیده روی صلح دایمی در کشور تلاش کنند تا باشد که هم سنت بجا شود و هم مردم رنج دیده از عذاب جنگ در امان شوند.

توصیه امام به صلح:

همان قسمیکه امام مسلمین وظیفه دارد در تأمین صلح میان مردم در منازعات بزرگ، همچنان مسولیت دارد تا در موارد خورد و ریز که سبب متخاصم میگردد، چنانچه امام بخاری رحمه الله در صحیح خویش حدیثی را از نبی کریم صلی الله علیه وسلم نقل نموده که رسول گرامی بین داین و مدیون نیز مصالحه نموده است و ایشان را به کمک یکدیگر تشویق نموده تا خصومت به میان آمده را محو نماید.

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ، عَنْ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ، أَنَّهُ كَانَ لَهُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي حَدْرَدٍ الْأَسْلَمِيِّ مَالٌ، فَاقْتَبَهُ فَلَزِمَهُ، حَتَّى ارْتَفَعَتْ أَسْوَاثُهُمَا، فَمَرَّ بِهِمَا نَبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «يَا كَعْبُ» فَأَشَارَ بِيَدِهِ كَأَنَّهُ يَقُولُ النِّصْفَ، فَأَخَذَ نِصْفًا مَا لَهُ عَلَيْهِ وَتَرَكَ نِصْفًا. (صحیح البخاری: 2706/187/3).

ترجمه: عبدالله بن کعب بن مالک از قول کعب بن مالک گفت: او بر گردن عبدالله بن ابی حدرد اسلمی مالی داشت وقتی با او روبرو شد او را محکم گرفت تا صدایشان بلند شد. پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آنان گذشت و فرمود: ای کعب و با دست خود اشاره کرد گویا می فرمود: نصف. او نیمه طلب خود را از او گرفت و نیمه دیگر را وا گذاشت.

این باب در بیان حکم صلح دیون و عیون میباشد و این بطل فرموده است که علماء اتفاق نظر دارند که اگر صلح در پرداخت قرض با دراهم کمتر از عین پول نیز جواز دارد، مشروط بر اینکه زمان پرداخت وام فرا رسیده باشد، در غیر صورت قبل از وقت معینه پرداخت دین کمتر از آن جواز ندارد. (عمده القاری شرح صحیح البخاری: 171/26).

برای ایجاد صلح در معاملات دیون و وام جواز دارد امام یا قاضی بخاطر حل منازعه بین متخاصمین مقدار را کم نماید برای سهولت مدیون و کمک به او جهت ادای دین اش. و این یک امر مسلم است تا در شرایط کنونی مطابق دستاویز احادیث نبوی به حل منازعات پرداخته شود.

از حدیث فوق چنین نتیجه گرفته میشود که امام و پیشوا به هر طریق ممکن کوشش میکند تا میان رعیت او جزی ترین مخاصمه نباشد چی برسد به مشکلات بزرگ مانند مقاتله و جنگ بین مسلمانان چنانچه که امروز ما ضربات محکم را از این ناحیه در کشور خویش متقبل و متحمل میشویم.

مصالحه در بخش ظلم و ستم:

حضرت نبی کریم صلی الله علیه وسلم بخاطر برقراری عدالت و جلوگیری از ظلم در اجرای حدود شریعت بهترین طریقه را برای امت خود رهنمای نموده تا امنیت جامعه را تأمین نموده و رفاه را در بین افراد ایجاد نماید. چنانچه امام بخاری رحمه الله در کتاب صحیح خویش حدیثی را از رسول معظم اسلام نقل نموده که بیانگر عدالت اجتماعی است.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، وَزَيْدِ بْنِ خَالِدِ الْجُهَنِيِّ، قَالَا: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَقْضِ بَيْنَنَا بِكِتَابِ اللَّهِ، فَقَامَ خَصْمُهُ فَقَالَ: صَدَقَ، فَأَقْضِ بَيْنَنَا بِاللَّهِ، فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ: إِنَّ ابْنِي كَانَ عَسِيفًا عَلَى هَذَا، فَرَزَى بِأَمْرَاتِهِ، فَقَالُوا لِي: عَلَى ابْنِكَ الرَّجْمُ، فَقَدَيْتُ ابْنِي مِنْهُ بِمَائَةِ مِنَ الْعَنَمِ وَوَلِيدَةٍ، ثُمَّ سَأَلْتُ أَهْلَ الْعِلْمِ، فَقَالُوا: إِنَّمَا عَلَى ابْنِكَ جَلْدُ مَائَةٍ، وَتَعْرِيبُ عَامٍ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَأَقْضِيَنَّ بَيْنَكُمَا بِكِتَابِ اللَّهِ، أَمَّا الْوَلِيدَةُ وَالْعَنَمُ فَرَدُّ عَلَيْكَ، وَعَلَى ابْنِكَ جَلْدُ مَائَةٍ، وَتَعْرِيبُ عَامٍ، وَأَمَّا أَنْتَ يَا ابْنِيسُ لِرَجُلٍ فَاغْدُ عَلَى امْرَأَةِ هَذَا فَارْجُمْهَا»، فَغَدَا عَلَيْهَا ابْنِيسُ فَرَجَمَهَا. (صحیح البخاری: 7193/75/9)

ترجمه: ابی هریره و زید بن خالد جهنی گفته اند: بیابان نشینی آمد و گفت: یا رسول الله در میان ما بر اساس کتاب خداوند جل جلاله حکم کن. طرف مقابل گفت: راست گوید. بیابان نشین گفت پسر من که پیش او مرد مزدور بود با زن او زنا کرده است و به

من گفتند: پسر تو باید سنگسار شود من به جبران این عمل پسر خود، صد گوسفند فدیة دادم و کنیزی آزاد کردم. سپس این موضوع را از علماء پرسیدم و آنها گفتند بر پسر تو صد شلاق و یک سال تبعید لازم آید. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: در میان شما بر مبنای کتاب الله حکم می‌کنم. اما کنیز و گوسفندان به تو برگردانده می‌شود. و بر پسر تو صد تازیانه و یک سال تبعید است. و اما تو ای انیس فردا برو و آن زن را سنگسار کن.

فردای آن روز انیس رفت و آن زن را سنگسار کرد. حدیث دلیل است بر اینکه هرگاه الفاظ در محل استفتاء استعمال گردد در اقامه حد و تعزیر تسامح صورت نمی‌گیرد. زیرا آن مرد خانمی را به زنا قذف نمود، و نبی کریم صلی الله علیه وسلم مستقیماً بر حد زنا دستور دادند. که تأکید امام بر اجرای حد را میرساند. (احکام الاحکام شرح عمده الاحکام: 89/3) حدیث فوق نمونه بزرگ عدالت اجتماعی اسلام را نشان میدهد. و تطبیق حدود شریعت از یک طرف اطاعت امر الله جل جلاله بوده و از جهت دیگر جلو مفساد گرفته میشود و از جانبی تأمین عدالت صورت می‌گیرد. و این امر ما را خیلی کمک میکند تا از تعدی، تجاوز، ظلم و ستم در امان بوده باشیم.

مصالحه در باب دیه و یا خونبها:

دین اسلام دین صلح، صفا و صمیمت بوده و همیشه در خصومات و منازعات صلح را ترجیح میدهد و هیچگاه در پی انتقام جویی نیست و از پیروان خویش همواره تقاضا دارد در حد امکان از تسامح کار گرفته به دشمنی‌ها نقطه پایان بگذارند. در این زمینه امام بخاری رحمه الله علیه حدیث را در صحیح خود از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم روایت نموده است. **أَنَّ أَنَسًا، حَدَّثَهُمْ: أَنَّ الرَّبِيعَ وَهِيَ ابْنَةُ النَّضْرِ كَسَرَتْ نَيْبَةَ جَارِيَةٍ، فَطَلَبُوا الْأَرْضَ، وَطَلَبُوا الْعَفْوَ، فَأَبَوْا، فَأَتَوْا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَمَرَهُم بِالْقِصَاصِ، فَقَالَ أَنَسُ بْنُ النَّضْرِ: أَتُكْسِرُ نَيْبَةَ الرَّبِيعِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَا وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ، لَا تُكْسِرُ نَيْبَتَهَا، فَقَالَ: يَا أَنَسُ كِتَابَ اللَّهِ الْقِصَاصُ، فَرَضِيَ الْقَوْمُ وَعَفُوا، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لِأَبْرَهُ» رَادَ الْفَزَارِيُّ، عَنْ حُمَيْدٍ، عَنِ أَنَسِ، فَرَضِيَ الْقَوْمُ وَقَبِلُوا الْأَرْضَ».** (صحیح البخاری: 2703/186/3).

ترجمه: حضرت انس رضی الله عنه روایت کرده است: که ربیع دختر نضر دو دندان پیشین دختری را شکست. کسان ربیع از قوم آن دختر خواستند، خونبها جراحات بگیرند و قصاص را عفو کنند آنها نپذیرفتند. هر دو طرف پیش پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند و پیامبر صلی الله علیه وسلم به قصاص امر کرد. انس بن نضر گفت: ای رسول خدا آیا دندان ربیع را می‌شکنی؟ قسم به پروردگاری که تو را به حق برانگیخته است. دندان او شکسته نمی‌شود. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: ای انس، حکم خداوند قصاص است. سپس کسان دختر راضی شدند و عفو کردند. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: از بندگان الله کسی است که اگر به الله قسم بخورد الله جل جلاله قسمش را راست می‌گرداند. فزاری به روایت از حمید و انس افزوده است: کسان آن دختر راضی شدند و دیه جراحات را قبول کردند.

چنانچه در مورد قصاص نفس هم حکم شریعت صراحت دارد که راه عفو را اختیار کنند و بخاطر تأمین عدالت و انصاف تمام

صلاحیت را به وارثین مقتول داده و ایشان را نیز به مصالحه و گذشت تشویق نموده تا آرامش جامعه از بین نرود نظر به آیه مبارکه که الله تبارک و تعالی در سوره بقره فرموده: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُوفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ).** (البقره: 178).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید فرض شد بر شما قصاص در قتل. آزاد عوض آزاد و برده عوض برده و زن عوض زن پس هر کس که عفو گردیده از طرف برادرش از چیزی، باید به وجه پسندیده متابعت کند و به وجه احسن اداء نماید. و این تخفیف و رحمتی است از جانب پروردگار پس هر کس که بعد از این قضاوت تجاوز کند برای اوست عذاب دردناک. از آیه مبارکه به صراحت فهمیده میشود که در قصاص عفو و گذشت یک اصل است و اگر وارثین خواسته باشد قصاص می‌گیرند و اگر خواسته باشد از عفو کار می‌گیرند مصالحه میکنند.

صلح میان قرض خواهان و میراث خواران:

تبارز صلح در صحیح بخاری با ورود احادیث گهربار حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم محسوس است حتی در مصالحه بین داین و مدیون و حل کشیدگی های ناشی از قرض چنانچه امام بخاری رحمه الله در صحیح خویش حدیثی را از نبی اکرم صلی الله علیه وسلم در این زمینه ذکر نموده که نشان دهنده صلح خواهی و صلح آوری بین معامله داران می باشد.

جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: تُوْفِيَ أَبِي وَعَلِيهِ دَيْنٌ، فَعَرَضْتُ عَلَى عَرْمَائِهِ أَنْ يَأْخُذُوا التَّمْرَ بِمَا عَلَيْهِ، فَأَبَوْا وَلَمْ يَرَوْا أَنْ فِيهِ وَفَاءٌ، فَأَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهُ فَقَالَ: «إِذَا جَدَدْتَهُ فَوَضَعْتَهُ فِي الْمَرْبِدِ أَذْنْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»، فَجَاءَ وَمَعَهُ أَبُو بَكْرٍ، وَعُمَرُ، فَجَلَسَ عَلَيْهِ، وَدَعَا بِالْبُرْكَ، ثُمَّ قَالَ: «ادْعُ عَرْمَاءَكَ، فَأُوفِيَهُمْ»، فَمَا تَرَكْتُ أَحَدًا لَهُ عَلَى أَبِي دَيْنٍ إِلَّا قَضَيْتُهُ، وَفَضَلَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ، وَسَفَا سَبْعَةَ عَجْوَةٍ وَسِنَّةً لَوْنٌ - أَوْ سِنَّةً عَجْوَةٍ، وَسَبْعَةَ لَوْنٌ - فَوَاقَيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَغْرِبَ، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهُ، فَضَجَّكَ، فَقَالَ: «أَنْتَ أَبَا بَكْرٍ، وَعُمَرُ، فَأَخْبِرْهُمَا»، فَقَالَا: لَقَدْ عَلِمْنَا إِذْ صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا صَنَعَ أَنْ سَيَكُونُ ذَلِكَ». (صحیح البخاری 2709/187/3)

ترجمه: جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرد: پدرم فوق کرد و بدهکار بود از طلبکاران او تقاضا کردم که در عوض طلب خود خرما بگیرند. آنها نپذیرفتند و ندانستند که خرما طلب شان را کفایت میکند پیش پیامبر صلی الله علیه وسلم رفتم و ماجرا را بیان کردم پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: زمانی که خرما را چیدی و خرمن کردی مرا آگاه کن پیامبر آمد در حالیکه ابوبکر و عمر رضی الله عنهما همراه او بودند و به هنگام آمدن برای برکت خرما باغ من دعا کردند و پس از آن فرمود طلب طلبکاران را ادا کن کسیکه که بر پدرم طلبی داشت نماند مگر آنکه طلبی او را ادا کردم و به اندازه سیزده وسق خرما زیاد آمد که هفت وسق آن خرما عجوه و شش وسق آن خرما لون بود یا شش وسق آن خرما عجوه و هفت وسق آن

خرما لون نماز مغرب را همراه رسول خدا خواندم و موضوع را بیان کردم پیامبر صلی الله علیه وسلم تبسم کرد و فرمود پیش ابوبکر و عمر برو و آنها را خبر کن آنها گفتند ما دانسته بودیم که اگر رسول خدا صلی الله علیه وسلم کاری بکند آنچه که خواسته باشد آن کار انجام شدنی است.

مصالحه با مشرکان:

مصالحه نه تنها با مسلمانان بلکه با مشرکان حسب مصلحت بر قرار شده می تواند و این موضوع دلالت میکند که اسلام عزیز تا آخرین مرحله پیروان خویش را به صلح و مصالحه تشویق می نماید. چنانچه امام بخاری رحمه الله علیه در صحیح خویش حدیثی را از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل نموده که بارزترین مثال برای برقراری صلح می توان نام برد.

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ رَافِعٍ، حَدَّثَنَا سُرَيْجُ بْنُ النُّعْمَانِ، حَدَّثَنَا فُلَيْحٌ، عَنْ نَافِعٍ، عَنِ ابْنِ عَمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ مُعْتَمِرًا فَحَالَ كُفَارٌ فَرِيشٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّبِيِّ، فَخَرَّ هَدْبُهُ، وَحَلَقَ رَأْسَهُ بِالْحَدْيَبِيَّةِ، وَقَاصَاَهُمْ عَلَى أَنْ يَغْتَمِرَ الْعَامَ الْمُقْبِلَ، وَلَا يَحْمِلَ سِلَاحًا عَلَيْهِمْ إِلَّا سِنُوفًا وَلَا يُقِيمُ بِهَا إِلَّا مَا أَحْبَبُوا، فَأَعْتَمَرَ مِنَ الْعَامِ الْمُقْبِلِ، فَدَخَلَهَا كَمَا كَانَ صَالِحُهُمْ، فَلَمَّا أَقَامَ بِهَا ثَلَاثًا أَمْرُوهُ أَنْ يَخْرُجَ فَخَرَجَ» (صحیح البخاری: 2701/185/3)

ترجمه: نافع از ابن عمر روایت کرده است: رسول الله صلی الله علیه وسلم به قصد عمره بیرون آمد. کافران قریش میان او و کعبه حایل شدند. پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیبیه قربانی خود را ذبح کرد و سرش را تراشید و با آنان مصالحه کرد که سال آینده عمره کند و سلاح بر ندارد جز شمشیر، و در مکه اقامت نکند جز زمانی را که آنان بخواهند. پیامبر صلی الله علیه وسلم سال بعد عمره کرد و تحت شرایطی که با آنان صلح کرده بود وارد مکه شد. وقتی سه روز اقامت کرد، به او گفتند: از مکه بیرون رود. پیامبر صلی الله علیه وسلم از مکه بیرون آمد.

صلح مسلمانان همراه با مشرکین در صورت ضرورت جایز است، مشروط بر اینکه مسلمانان علیه دشمنان خویش طاقت کافی جنگی نداشته باشند، ولی در صورت توانایی مقاتله مصالحه همراهی آنها جواز ندارد آن هم در صورتیکه مانع حرکت مسلمانان گردد. نظر به آیه مبارکه چنانچه الله تبارک و تعالی در سوره محمد آیه 35 فرمودند: (فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ). (شرح صحیح البخاری لابن بطال: 92/8).

از حدیث فوق چنین نتیجه بدست میاید که با در نظر داشت مصلحت ها حتی با مشرکین نیز می توان مصالحه نمود، چنانچه نبی کریم صلی الله علیه وسلم با وجود که قصد عمره داشت ولی بنا به پیشنهاد مشرکین عمره خویش را یک سال به تأخیر انداخت و از تسامح در مقابل کفار قریش کار گرفت تا آنها به صلح تمایل پیدا نمایند و از ظلم و ستم دست کشیده زندگی آرامی را انتخاب کنند.

نتیجه گیری:

سرانجام بعد از بررسی نصوص و احادیث وارده در صحیح بخاری و سنن ترمذی در مورد صلح به نتایج آتی دست یافتیم.

1. اینکه صلح و امنیت از دساتیر شرع به حساب میاید.

2. اینکه شارع در تمام جوانب زندگی مسلمانان صلح را ترجیح میدهد.
3. برقراری صلح و عدالت از جمله مکلفیت های امام و پیشوای مسلمین بوده ضمنا هر انسان بخاطر تأمین صلح و امنیت مسولیت دارد.
4. اینکه بنا بر مصلحت با مشرکین و اهل کتاب مصالحه می تواند برقرار گردد.
5. صلح یک نیاز اجتماعی بوده و تأمین آن در جامعه افغانی مسولیت همه اتباع این کشور می باشد، تا مردم در رفاه زندگی خویش را تنظیم نموده به فکر و خاطر آرام به پیش روند.

پیشنهادات:

موضوع صلح یک امر مهم در جامعه انسانی بوده و نیاز است تا اهمیت، فضیلت و ارزش آن در روشنایی نصوص قرآنی و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم و دیدگاه علماء کرام مورد بحث قرار گیرد، بخاطر وضاحت هر چه بیشتر موضوع موارد مختصر ذیل پیشنهاد میگردد.

1. بخاطر نهادینه سازی صلح در اذهان عامه بخصوص مردم رنج دیده کشور عزیزم نیاز است صلح از جوانب مختلف مورد بررسی قرار گرفته و در روشنایی آیات و تفاسیر، احادیث گهربار از سایر کتب حدیث و منابع فقهی و دیدگاه علماء معتبر اسلامی بحث صورت گیرد.
2. برای شناسایی سایر محدثین نیز این چنین برنامه ها روی دست گرفته شود، تا باشد هم شیوخ حدیث و هم کتب ایشان به معرفی گرفته شود.
3. تدویر مجالس علمی در رشته حدیث و علوم آن با اشتراک علماء و دانشمندان از تمام ولایات افغانستان.
4. جهت خدمت بیشتر به دین داشتن مجله مستقل بخاطر نشر مقالات تحقیقی دینی در موضوعات مختلف برای حل مشکلات موجوده در جامعه ضرور به نظر میرسد.
5. ایجاد مرکز تحقیقات در علوم اسلامی در سطح کشور و ولایات برای تازه ترین تحقیقات اسلامی.

منابع و مأخذ:

1. قرآن کریم.
2. ابن بطال ابو الحسن علی بن خلف بن عبدالملک، (1423هـ) شرح صحیح البخاری لابن بطال، الرياض: مکتبه الرشد.
3. البخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم الجعفی، (1401هـ) صحیح البخاری، بیروت: دار ابن کثیر.
4. الترمذی، ابی عیسی محمد بن عیسی بن سوره، (1441هـ) سنن الترمذی، دمشق: دار الفکر للطباعة والنشر.
5. الحنفی، قاسم بن عبدالله بن امیر علی القونوی الرومی، (1424هـ) انیس الفقهاء فی تعریفات الالفاظ المتداوله بین الفقهاء، دار الکتب العلمیه.
6. الدیوبندی، محمد انور شاه بن معظم شاه کشمیری الهندی، (1426هـ) فیض الباری علی صحیح البخاری، بیروت: دار الکتب العلمیه.

7. الزحيلي، وهبه، (ب ت) الفقه الاسلامي و ادلته، دمشق: دار الفكر.
8. الشافعي، ابن ملقن سراج الدين ابو حفص عمر بن علي بن احمد، (1422هـ) التوضيح لشرح الجامع الصحيح، دمشق: دار النوادر.
9. القشيري، محمد بن علي بن وهب تقي الدين ابن دقيق العيد، (1432هـ) احكام الاحكام شرح عمده الاحكام، مطبعه السنه المحدثه.
10. النووي، محيي الدين ابن ذكريا يحيى بن شرف الدمشقي، (1414هـ) الاذكار النوويه، لبنان: دار الفكر.